



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۳ / شعبان المعظم / ۱۴۴۴ هـ ق مطابق ۵ / حوت / ۱۴۰۱ هـ ش

## بزرگی شأن حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

الحمد لله الذی امرنا بالاتباع ونهانا عن الابتداع واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له فی العبادۃ كما انه لا شریک له فی الخلق والابداع واشهد ان محمداً عبده ورسوله الذی ارسله لیتبع ویطاع صلی الله علیه وعلى آله واصحابه وسائر الاتباع وسلم تسليماً كثيراً. اما بعد:

مست لقاء حضرت یزدان محمد است      سر ابتداء خلقت انسان محمد است

مشتق ز نور حق شده جان مبارکش      نور وصفا رحمت سبحان محمد است

از حسن وخلق نیکویش چه گویمت      سرتا به پا آیت قرآن محمد است

حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - از بسا شأن بزرگی برخوردار است که الله تعالی در میان مخلوقات همانند آن مخلوق دیگر نیافریده است، خواه آن ملائک مقرب الله تعالی و یا اولیاء و یا هم انبیاء باشد.

وهمچنان در روز واپسین حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - از مقام شامخ نیز برخوردار میباشد؛ که این درجه و مقام برای پیامبر دیگری حاصل نیست.

چنانچه که مرتبه و شأن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در دنیا عالی میباشد و در آخرت نیز از همه انبیاء مراتب و الایی دارد و این خصوصیتی است که برای انبیاء دیگر میسر نیست.

بزرگی شأن و مقام شخصیت گهر بار سرور کائنات منجی عالم بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم قرار ذیل است:

۱- شأن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنقدر بزرگ است که الله رب العالمین به عمر آن سوگند یاد کرده است ، الله تعالی به کدام بنده ای سوگند یاد کرده باشد دلالت به فخامت شأن آن میکند. طوریکه خداوند جل جلاله در قرآن کریم میفرماید: {لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ} [الحجر: (۷۲)؛ ترجمه: به زندگی و حیات تو سوگند است که آنها در نشه و مستی خود سرگردان اند.

امام ابن کثیر در تفسیر این آیت نوشته است: (أقسم تعالی بحياة نبیه، صلوات الله وسلامه علیه، وفي هذا تشریف عظیم، ومقام رفیع وجاه عریض). تفسیر ابن کثیر

ترجمه:- الله تعالى به زندگی و حیات نبی خود قسم یاد کرده است، که این دلالت بر بزرگی، عزت مقام و شأن عالی او دارد.

همان گونه که حضرت عبدالله ابن عباس-رضی الله عنهما- در این مورد فرموده است: الله تعالى هیچ مخلوق ذی روحی را گرامی تر از محمد صلی الله علیه وسلم نیافریده است و من نشنیده ام که الله سبحانه و تعالی جز به حیات محمد-صلی الله علیه وسلم- به حیات کسی دیگری سوگند یاد کرده باشد.

۲- الله تعالى در قرآن کریم بخاطر اطمینان روحی و روانی محمد-صلی الله علیه وسلم- قسم یاد کرده و نه برای دیگر انبیاء علیهم الصلاة والسلام. چنانچه الله در قرآن کریم میفرماید: {وَالضُّحَى (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳) وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴) وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى {الضحى: (۱-۵)}

ترجمه:- سوگند به وقت چاشت و سوگند به شب هنگامیکه آرم گیرد ویا (همه چیز را بیوشاند) پروردگارت تو را رها نکرده است و نه خشم گرفته است البته جهان آخرت برای تو بهتر از دنیا است؛ البته پروردگارت به تو نعمتهای بزرگی را خواهد بخشید، پس تو خوشنود خواهی شد.

وهمچنان شأن حضرت محمد مصطفی-صلی الله علیه وسلم- آنقدر بزرگ است که وی را به رسول و نبی خطاب کرده و دیگر انبیاء را به این واژه ها خطاب نکرده است. {يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا {الأحزاب: ۴۵}.

ترجمه: ای پیامبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم.

و در آیه مبارکه دیگر اینطور خطاب نموده است: {يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ {المائدة: ۴۱}.

ترجمه: ای پیغمبر! غمگین نسازد تو را عمل کسانی که در کفر بر یک دیگر سبقت میورزند.

و در آیه دیگری اینطور خطاب میفرماید: {يَا أَيُّهَا الْمَزْمُلُ {المزمل: ۱} ترجمه: ای مرد جامه بر خود پیچیده.

و در آیه دیگری اینطور فرموده است: {يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ {المدثر: ۱} ترجمه: ای مرد چادر بر خود پیچیده.

و در هر مقامی که نام حضرت محمد مصطفی-صلی الله علیه وسلم- گرفته شده باشد در آنجا صفات وی نیز ذکر شده است. چنانچه در سوره الفتح آمده است: {مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ {الفتح: (۲۹) در سوره آل عمران: {وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ {آل عمران: (۱۴۴)}. ترجمه: محمد جز پیغمبر نیست پیش از او پیغمبرانی گذشته اند.

الله تعالى در قرآن کریم از هر پیغمبری از پیغمبرانش که نام برده است آنها را به اسم محضه شان ندا نموده است به جز حضرت محمد-صلی الله علیه وسلم- مثلاً: {وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ {اعراف: (۱۹)}؛ {قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي {اعراف: (۱۴۴)}؛ {يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا {هود: (۷۶)}؛ {إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ {المائدة: (۱۱۰)} وغيره

۳- الله تعالى بجز محمد صلی الله علیه وسلم دیگر انبیاء را، (نور) نه نامیده است. طوری که الله تعالى در قرآن کریم میفرماید: {قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ {المائدة: (۱۵)}، ترجمه: واقعاً از جانب الله به شما نور و کتاب روشنگری آمد. (بنا بر یک قول در اینجا مراد از نور پیغمبر-صلی الله علیه وسلم-) است.

۴- الله تعالى اتهاماتی را که از طرف مشرکین و کفار مکه به رسول خدا-صلی الله علیه وسلم- وارد میشد که بعضی اوقات وی را مجنون و یا شاعر و یا کاهن میگفتند، دفع نموده است. اما اتهاماتی که بر دیگر انبیاء علیهم الصلاة والسلام از طرف قوم ایشان وارد میشد دفع آن اتهامات را به خود انبیاء تفویض نموده است، طوری که الله تعالى در مورد اتهام مجنون و ساحر که بر نبی - علیه الصلاة والسلام- وارد میکردند و برای دفع آن در قرآن کریم میفرماید: {وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (۴۱) وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَدَّكَّرُونَ (۴۲) تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴۱-۴۳)}.

- ترجمه:- وآن سخن هیچ شاعری نیست (یعنی قرآن کریم) اما شما کمتر باور میکنید؛ و نه گفتار کدام کاهنی است شما کمتر پند میگیرید. (محمد صلی الله علیه وسلم شاعر و کاهن نیست و قرآن شعر و کهنات نیست).
- ۵- درود فرستادن برای رسول -الله صلی الله علیه وسلم- را سب مغفرت گناهان دانسته شده است و نه درود فرستادن برای دیگر انبیاء علیهم السلام را.
- ۶- الله جل جلاله از حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم- و عقل آن در قرآن کریم پاکی و تزکیه بیان کرده است: طوریکه می فرماید: {وَمَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى} {النجم: ۲}
- ترجمه:- رفیق شما نه گمراه شده است و نه بیراهه رفته است.
- و همچنان الله تعالی گفتار پیامبر صلی الله علیه وسلم را تزکیه نموده است: {وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى} {النجم: ۳}.
- ترجمه:- و او از هوا و هوس سخن نمی گوید.
- الله تعالی از علم آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- نیز پاکی بیان کرده است: {عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى} {النجم: ۵}.
- ترجمه:- او را فرشته ای بسیار نیرومند آموخته است.
- و همچنان الله تعالی در آیه دیگری بیان وصف قلب آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- را نموده است: {مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى} {النجم: ۷}. ترجمه: قلب پیغمبر صلی الله علیه وسلم دروغ نشمرد آنچه را که به چشم (سر) دید.
- و همچنان الله تعالی شأن و ذکر پیغمبر علیه الصلاة والسلام را بلند گردانیده است: {وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ} {الشرح: ۴}.
- ترجمه:- و آوازه تورا بلند ساختیم.
- عبدالله ابن عباس در مورد این آیت میفرماید: که مراد این آیت این است که الله تعالی فرموده: که من یاد نمی شوم در مقامی مگر اینکه تو هم همراهی من یاد میشوی مانند: یاد، در آذان، اقامت، تشهد، روز های جمعه در منابر مساجد، روز های عید، ایام تشریق، روز عرفه، وقت رمی جمرات، صفا، مروه، خطبه نکاح، در شرق و غرب زمین و در همه جای.. [الجامع لأحكام القرآن للقرطبی]
- ۸- حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- در بین تمام پیغمبران بهترین پیغمبر هست: {أَنَا سَيِّدُ الْقَوْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ} صحیح البخاری
- ترجمه:- من سردار همه مردم هستم در روز قیامت.
- و در حدیث شریف دیگر آمده است: {أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ} سنن الترمذی.
- ترجمه:- من سردار اولاد آدم هستم در روز قیامت و به این فخر نمیکنم.
- ۹- نافرمانی حضرت محمد -صلی الله علیه وسلم- سبب دخول جهنم است: {وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ} [النساء: ۱۴]
- ترجمه: و هر کسی الله و رسولش را نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز کند او را در آتشی داخل میکند که در آنجا جاویدان میماند و او را عذاب ذلت باری است.

۱۰- محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم از برای تمام مخلوقات رحمت است: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) الانبیاء: (۱۰۷)

ترجمه:-- و (ای پیامبر!) ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستاده ایم.

۱۱- حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- صاحب اخلاق عالی بود الله تعالی او را به اخلاق عالی خلق کرده و در قرآن کریم اخلاق عالی او را ستوده است: {وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ} القلم: ۴؛ ترجمه: تو دارای اخلاق بزرگ هستی.

۱۲- الله تعالی به حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- حوض کوثر را داده است: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ) الكوثر: (۱) وقتیکه سوره کوثر نازل شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم به اصحاب گفت: (أتدرون ما الكوثر؟ فقلنا! الله ورسوله أعلم قال فإنه نهر وعدنيه ربي عز وجل). صحیح مسلم

ترجمه:-- آیا شما میدانید که کوثر چه چیزی را گفته میشود؟: میان برای او گفتیم که الله ورسولش میداند، نبی علیه السلام فرمودند: کوثر نهریست در بهشت که الله تعالی آنرا به من وعده داده است.

۱۳- شأن و مقام حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- آنقدر بزرگ است که الله تعالی او را به آسمانها و سدره المنتهی خواست که در این سفر با پیامبران ملاقات کند که این عزت و اکرام به دیگر انبیاء نصیب نشده است.

طوریکه الله می فرماید: {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ} الاسراء: (۱)

ترجمه:-- پاک است آنکه بنده خود را در شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که در حریم آن برکت انداخته ایم، برد و بعضی از نشانه های خویش را به او نشان دهیم یقیناً الله شنوا و بینا است.

۱۴- در اطاعت حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- اطاعت الله تعالی نهفته است و در نافرمانی او نافرمانی الله تعالی نهفته است: {وَمَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا} النساء: (۸۰) ترجمه:-- هر کسی که رسول الله صلی الله علیه وسلم را اطاعت کند پس او الله جل جلاله را اطاعت نموده است.

۱۵- و در روز قیامت حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه وسلم- بر امت خود و سایر امت ها گواه میباشد. (فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا) النساء: (۴۱)

ترجمه:-- پس حال آنها چگونه خواهد بود هنگامیکه از هر ملت برای شهادت بر اعمال آنها گواه بیاوریم و بر این کافران تو را گواه بیاوریم؟

۱۶- حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین است در وازه رسالت و نبوت بعد از او بند شده است. الله تعالی فرموده: (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا). الأحزاب: (۴۰).

ترجمه:- محمد پدر هیچ کس از مردان شما نیست ولیکن فرستاده الله و آخرین پیامبران است والله بر هرچیز دانا هست.

۱۷- الله تعالی در عالم ارواح از تمام پیامبران وعده گرفته است که اگر شما حیات ویا زنده بودید حضرت محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم- مبعوث شد به او ایمان بیاورید واورا یاری رسانید وهمه انبیاء ایمان آوردن وکمک کردن را به حضرت محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم- وعده دادند.:(وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ).آل عمران: (۸۱).

ترجمه:- بخاطر بیاورید هنگامی را که الله از پیغمبران پیمان گرفت هرگاه برای شما کتاب ودانش دادم سپس پیغمبر باور دارنده آنچه را که با شما است بسوی شما بیاید البته به او ایمان بیاورید واورا یاری دهید، آیا به این موضوع اقرار نمودید وپیمان مرا پذیرفتید گفتند: اقرار نمودیم وپیمان تورا پذیرفتیم ، گفت : شما برخی بر خی گواه باشید ومن با شما از گواهانم.

۱۸- حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دوست ومحبوب خاص الله تعالی است که این شأن ومقام تنها برای حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نصیب شده است.  
نبی علیه السلام فرموده است:(لَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا خَلِيلًا، لَاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا، إِنَّ صَاحِبَكُمْ خَلِيلُ اللَّهِ). صحیح مسلم  
ترجمه:- اگر من خلیل ودوست می گرفتم البته ابوبکر رضی الله عنه را خلیل ودوست می گرفتم ورفیق شما دوست الله تعالی است.

۱۹- حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم وقتی پیغمبر بود که حضرت آدم علیه السلام در میان گل وآب بود.  
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نتیجه دعای حضرت ابراهیم علیه السلام وبشارت حضرت عیسی علیه السلام وتعبیر خواب بی بی آمنه بوده است.

عَنِ الْعُرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ الْفَزَارِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (إِنِّي عِنْدَ اللَّهِ مَكْتُوبٌ بِخَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجِدٌ فِي طَيْبَتِهِ، وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ ذَلِكَ: دَعَا أَبِي إِبْرَاهِيمَ، وَبِشَارَةَ عَيْسَى، وَرُؤْيَا أُمِّي الَّتِي رَأَتْ حِينَ وَضَعْتَنِي أَنَّهُ خَرَجَ مِنْهَا نُورٌ أَضَاءَتْ لَهَا مِنْهُ قُصُورُ الشَّامِ). صحیح ابن حبان

ترجمه:- از حضرت عرباض ابن ساریه رضی الله عنه روایت است او میگوید: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که ایشان فرمودند: من به نزد الله تعالی به خاتم النبیین نوشته شده ام در حالیکه آدم علیه السلام در گل (لای) بر زمین نهفته بود ومن شمارابه اول نبوت خبر میدهم، که نتیجه دعای ابراهیم ومژده عیسی وتعبیر خواب مادرم که دیده بود زمانیکه مرا ولادت کرد از او نوری بیرون شد که روشنائی آن قصرهای شام را روشن کرد.

۲۰- در روز قیامت حضرت محمد- صلی الله علیه وسلم- اولین شخصی است که از زمین برمی خیزد ودر دست حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بیرقی میباشد وهمه پیامبران در زیر بیرق او میباشند و برای همه انبیاء امام وخطیب میباشد وحضرت محمد صلی الله علیه وسلم برای همه امت ها شفاعت میکند والله تعالی به او مقام (محمود) یعنی ستوده شده نصیب میکند.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا فَخْرَ، وَبِيَدِي لَوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ، وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمَ فَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لَوَائِي، وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَلَا فَخْرَ، قَالَ: فَيَفْرَعُ النَّاسُ ثَلَاثَ فَرَغَاتٍ، فَيَأْتُونَ آدَمَ، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ أَبُوْنَا آدَمَ فَاشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ، فَيَقُولُ: إِنِّي أَذْنَبْتُ ذَنْبًا أَهْبَطْتُ مِنْهُ إِلَى الْأَرْضِ وَلَكِنْ أَتُّوا نُوحًا،

فَيَأْتُونَ نُوحًا، فَيَقُولُ: إِنِّي دَعَوْتُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ دَعْوَةً فَأُهْلِكُوا، وَلَكِنْ اذْهَبُوا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، فَيَأْتُونَ إِبْرَاهِيمَ فَيَقُولُ: إِنِّي كَذَبْتُ ثَلَاثَ كَذِبَاتٍ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْهَا كَذِبَةٌ إِلَّا مَا حَلَّ بِهَا عَنْ دِينِ اللَّهِ. وَلَكِنْ آتُوا مُوسَى، فَيَأْتُونَ مُوسَى، فَيَقُولُ: إِنِّي قَدْ قَتَلْتُ نَفْسًا، وَلَكِنْ آتُوا عِيسَى، فَيَأْتُونَ عِيسَى، فَيَقُولُ: إِنِّي عِيدْتُ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَلَكِنْ آتُوا مُحَمَّدًا، قَالَ: فَيَأْتُونََنِي فَأَنْطَلِقُ مَعَهُمْ - قَالَ ابْنُ جُدْعَانَ: قَالَ أَنَسُ: فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: فَأَخَذُ بِحَلْقَةِ بَابِ الْجَنَّةِ فَأَقْعَقِعُهَا فَيَقَالُ: مَنْ هَذَا؟ فَيَقَالُ: مُحَمَّدٌ فَيَفْتَحُونَ لِي، وَيَرْحَبُونَ بِي، فَيَقُولُونَ: مَرْحَبًا، فَأَخْرَجُوا سَاجِدًا، فَيَلْهَمُنِي اللَّهُ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ، فَيَقَالُ لِي: ارْفَعْ رَأْسَكَ وَسَلِّ تَعَطَّ، وَأَشْفَعُ تُشَفِّعُ، وَقُلْ يُسْمَعُ [ص: ٣٠٩] لِقَوْلِكَ، وَهُوَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ {عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا} [الإسراء: ٧٩] سنن الترمذي

ترجمه:- رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده اند: من در روز قیامت سردار اولاد آدم هستم و به این فخرنمیکنم و به دست من بیرق حمد و ثنا میباید و من به این هیچ فخرنمیکنم و در آن روز حضرت آدم علیه السلام و علاوه از آن دیگر انبیاء همه در زیر بیرق من میباشند و من به این هیچ فخر نمی کنم، و در روز قیامت اول زمین برای من شق میشود به این هیچ فخر نمی کنم، باز فرمودند: که در این وقت بر مردم سه نوع ترس و حراس سپری میشود و بعضی مردم میگویند بیاید برویم به نزد آدم علیه السلام و همه به نزد آدم علیه السلام میروند و به او میگویند که تو (ابو البشر) یعنی پدر همه بنی آدم هستی، و تو شفاعت ما را به نزد الله تعالی بکن،

او به ایشان میگوید: من گناهی کرده ام که به سبب آن به زمین فرود آورده شدم. (بنا بر این من شما را شفاعت کرده نمی توانم) بروید به نزد نوح علیه السلام، آنها میروند به نزد نوح علیه السلام و نوح علیه السلام گفت: من دعای بد کردم به قوم خود که آنها هلاک شدند، بروید به نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آنها به نزد ابراهیم علیه السلام رفتند، او برای آنها گفت: من سه دروغ گفته ام، باز رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: که آن دروغ حقیقی نبود بلکه به مقصد حمایت از دین الله بوده، البته شما به نزد موسی علیه السلام بروید، مردم به نزد موسی علیه السلام میروند و موسی علیه السلام برای ایشان میگوید: من شخص را به قتل رسانده ام و در حالیکه اجازه قتل آن به من داده نشده بود، شما به نزد عیسی علیه السلام بروید، مردم به سوی عیسی علیه السلام میروند، عیسی علیه السلام به آنها میگوید: من را مردم علاوه از پروردگار عبادت کرده اند، شما به نزد محمدرسول الله صلى الله عليه وسلم بروید.

و در یک روایتی آمده است که مردم به نزد من می آیند و من با ایشان روان می شوم.

ابن جدعان راوی میگوید: که انس رضی الله عنه گفت: به من اینطور معلوم میشود مثلی که من اکنون به رسول الله صلى الله عليه وسلم می نیگرم باز فرمودند: من در این وقت حلقه زنجیر دروازه جنت را میگرم و دق الباب میکنم، صدا میشود کیستی؟ در جواب به او گفته میشود. محمد صلى الله عليه وسلم است پس دروازه به روی من باز میشود و خوش آمدید برایم گفته میشود و من به سجده می افتم، والله در قلب من طریقه گفتن حمد و ثنایا می اندازد طوری که قبل از این به هیچ کس نشان داده نشده است، سپس برایم حکم میشود که ای رسول الله! سر خود را بلند کن، بخواه آنچه که میخواهی برایت داده میشود و شفاعت کن، شفاعت تان پذیرفته میشود و این همان مقام محمود است که در این مورد الله تعالی فرموده است: {عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا}.

۲۱- حضرت محمد مصطفی صلى الله عليه وسلم نسبت به ملائک بهتر است چرا که انسانهای خاص مانند: انبیاء علیهم السلام بهتر اند به خواص ملائک.

علامه ملا علی القاری رح در این باره نوشته کرده است: (عوام المؤمنین أفضل من عوام الملائكة، وخواص المؤمنین أفضل من خواص الملائكة... ولا يخفى أن المراد بخواص المؤمنین الرسل والأنبياء، وبخواص الملائكة نحو جبریل ومیکائیل وإسرافیل).  
مرقاة المفاتیح

ترجمه:-- عوام مؤمنین از عوام ملائک بهتر اند و خواص مؤمنین از خواص ملائک بهتر اند... ومخفی نماید که مراد از خواص مؤمنین رسولان وانبیاء اند و مراد از خواص ملائک جبرئیل، میکائیل واسرافیل علیهم السلام است.

۲۲- به طرف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم درختی آمد که به سوی آن اشارت کرد که بیا آن درخت بر نبی علیه السلام، سلام داد. (عَنْ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ بِالْحَجُّونِ فَرَدَّ عَلَيْهِ الْمُشْرِكُونَ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ ارْنِي آيَةَ الْيَوْمِ لَا أُبَالِي مَنْ كَذَّبَنِي بَعْدَهَا» فَاتَى فَقِيلَ لَهُ ادْعُ شَجَرَةً، فَدَعَا شَجَرَةً فَأَقْبَلَتْ تَخُطُّ الْأَرْضَ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَيْهِ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَمَرَهَا فَرَجَعَتْ). مسند البزار

ترجمه:-- از حضرت عمر رضی الله عنه روایت است که او فرموده که بدون شک رسول الله صلی الله علیه وسلم که در مکه بود و مشرکین سخنان او را رد میکردند، نبی علیه السلام فرمودند: ای پروردگار من! امروز برای حقانیت من یک نشانه ای آشکار کن من بعد از آن هیچ باکی نمیکنم از آن کسانی که مرا دروغگوی میخوانند، او آمد و برایش گفته شد که یک درختی را صدا کن و او درختی را آواز کرد و درخت آمد در حالیکه زمین را شق میکرد تا اینکه به نزد نبی علیه السلام رسید و بر نبی علیه السلام؛ سلام داد و برای او نبی علیه السلام امر کرد: واپس بجای خودت برگرد و او دوباره به جای خود رفت.

۲۳- الله جل جلاله و ملائک او به محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم درود میگویند که این دلیل روشن به بزرگی شأن محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است.

قاضی بیضاوی میگوید: الله تعالی و ملائک او به شرف محمد صلی الله علیه وسلم اهتمام میکنند و عظمت شأن او را بیان میکنند و شما هم به شرف محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم اهتمام نموده و تعظیم شأن او را بکنید. تفسیر البیضاوی]

همچنان در دنیا بهترین خاک آن است که جسد مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن نهفته است و بهتری این خاک و زمین به اثر برکت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است.

ابن عابدین رحمه الله میگوید: (فما ضم أعضاؤه الشريفة فهو أفضل بقاع الأرض بالإجماع) حاشیة ابن عابدین شأن حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم به نزد پروردگار آنقدر بزرگ است که به برکت آن برائت حضرت عائشه را از آسمان ها روان کرد.

توهین و بی حرمتی به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کفر است:

وقتی که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را الله تعالی آنقدر شأن بزرگ در دنیا و آخرت داده است. بناً شریعت اسلامی توهین و بی حرمتی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را کفر و ارتداد گردانیده است.

قدردانی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم فرض است و توهین او کفر و ارتداد است.

تکلیف و اذیت رسانیدن به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خصلت منافقان است. (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) التوبة: (٦١)

ترجمه: واز آنها کسانی اند که پیغمبر را اذیت میرسانند و میگویند: او خوش باور است بگو او خوش باور سخنان خیر شما هست، گفته های الله را باور میکند و مومنان را تصدیق میکند و برای کسانی که از شما ایمان می آورند رحمت است و کسانی که پیغمبر الله را اذیت میرسانند آنانرا عذاب دردناکی است.

الله تعالی میفرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا) الاحزاب: (٥٧)

ترجمه:-- کسانی که الله و رسولش را میرنجانند الله ایشان را در دنیا و آخرت لعنت میکند و برای ایشان عذابی ذلت باری را آماده ساخته است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر قتل ابو رافع یهودی اصحاب کرام را فرستادند و ابورافع یهودی به رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرر میرسانید و در شأن وی گستاخی میکرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر قتل او به سرکرده گی حضرت عبدالله ابن عتیک رضی الله عنه صحابه کرام را فرستاد و او را در خانه اش به قتل رسانیدند.

واقعه ابو رافع یهودی در بخاری شریف به تفصیل ذکر شده: (عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- إِلَى أَبِي رَافِعِ الْيَهُودِيِّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَتِيكٍ وَكَانَ أَبُو رَافِعٍ يُؤْذِي رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَيُعِينُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي حِصْنٍ لَهُ بِأَرْضِ الْحِجَازِ فَلَمَّا دَنَوْا مِنْهُ وَقَدِ غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَرَاحَ النَّاسُ بِسَرِحِهِمْ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ لِأَصْحَابِهِ اجْلِسُوا مَكَانَكُمْ فَإِنِّي مُنْطَلِقٌ وَمُتَلَطِّفٌ لِلْبُؤَابِ لَعَلِّي أَنْ أَدْخُلَ فَأَقْبَلَ حَتَّى دَنَا مِنَ الْبَابِ ثُمَّ تَقَنَّعَ بِثَوْبِهِ كَأَنَّهُ يَقْضِي حَاجَةً وَقَدْ دَخَلَ النَّاسُ فَهَتَفَ بِهِ الْبُؤَابُ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَدْخُلَ فَادْخُلْ فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُغْلِقَ الْبَابَ فَدَخَلْتُ فَكَمَنْتُ فَلَمَّا دَخَلَ النَّاسُ أَغْلَقَ الْبَابَ ثُمَّ عَلِقَ الْأَعْلِيْقَ عَلَى وَتَدٍ (وَدٍّ) قَالَ فَقُمْتُ إِلَى الْأَقَالِيدِ فَأَخَذْتُهَا فَفَتَحْتُ الْبَابَ وَكَانَ أَبُو رَافِعٍ يُسَمِّرُ عِنْدَهُ وَكَانَ فِي عَالِيٍّ لَهُ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْهُ أَهْلُ سَمَرِهِ صَعِدْتُ إِلَيْهِ فَجَعَلْتُ كُلَّمَا فَتَحْتُ بَابًا أَغْلَقْتُ عَلَيَّ مِنْ دَاخِلٍ قُلْتُ إِنْ الْقَوْمَ نَذَرُوا بِي لَمْ يَخْلُصُوا إِلَيَّ حَتَّى أَقْتُلَهُ فَانْتَهَيْتُ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَسَطَ عِيَالِهِ لَا أَدْرِي أَيْنَ هُوَ مِنَ الْبَيْتِ فَقُلْتُ يَا أَبَا رَافِعٍ قَالَ مَنْ هَذَا فَأَهْوَيْتُ نَحْوَ الصَّوْتِ فَأَضْرِبُهُ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ وَأَنَا دَهْشُ (دَاهِشُ) فَمَا أَغْتَيْتُ شَيْئًا وَصَاحَ فَخَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ فَأَمَكْتُ غَيْرَ بَعِيدٍ ثُمَّ دَخَلْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ مَا هَذَا الصَّوْتُ يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ لِأُمِّكَ الْوَيْلُ إِنَّ رَجُلًا فِي الْبَيْتِ ضَرَبَنِي قَبْلَ بِالسَّيْفِ قَالَ فَأَضْرِبُهُ ضَرْبَةً أَثَخَنَتْهُ وَلَمْ أَقْتُلْهُ ثُمَّ وَضَعْتُ طَبَّةَ السَّيْفِ فِي بَطْنِهِ حَتَّى أَخَذَ فِي ظَهْرِهِ فَعَرَفْتُ أَنِّي قَتَلْتُهُ فَجَعَلْتُ أَفْتَحُ الْأَبْوَابَ بَابًا بِابًا حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى دَرَجَةٍ لَهُ فَوَضَعْتُ رِجْلِي وَأَنَا أَرَى (أَرَى) أَنِّي قَدْ انْتَهَيْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَوَقَعْتُ فِي لَيْلَةٍ مُقْمَرَةٍ فَانْكَسَرَتْ سَاقِي فَعَصَبْتُهَا بِعِمَامَةٍ ثُمَّ انْطَلَقْتُ حَتَّى جَلَسْتُ عَلَى الْبَابِ فَقُلْتُ لَا أُخْرَجُ (أَبْرَحُ) اللَّيْلَةَ حَتَّى أَعْلَمَ أَقْتَلْتُهُ فَلَمَّا صَاحَ الدَّيْكَ قَامَ النَّاعِي عَلَى السُّورِ فَقَالَ أَنْعَى أَبَا رَافِعٍ تَاجِرِ أَهْلِ الْحِجَازِ فَانْطَلَقْتُ إِلَى أَصْحَابِي فَقُلْتُ النَّجَاءَ فَقَدْ قَتَلَ اللَّهُ أَبَا رَافِعٍ فَانْتَهَيْتُ إِلَى النَّبِيِّ؟ فَحَدَّثْتُهُ فَقَالَ ابْسُطْ رِجْلَكَ فَبَسَطْتُ رِجْلِي فَمَسَحَهَا فَكَانَتْهَا (فَكَانَمًا) لَمْ أَشْتَكِهَا قَطُّ.) صحيح البخاري



ترجمه:- حضرت براء بن عازب رضی الله عنه میفرماید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم جهت قتل ابورافع یهودی دسته ای اصحاب کرام که از انصار بودند فرستاد و حضرت عبدالله ابن عتیک را بالای ایشان امیر قرار داد:

ابورافع یهودی به رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرر میرسانید و علیه پیامبر با دشمنان وی کمک میکرد و از ابورافع یک قلعه ای در سر زمین حجاز بود، وقتیکه صحابه کرام به آن قلعه رسیدند در این وقت آفتاب غروب کرد، مردم حیوانات خود را به خانه هایشان میبردند، حضرت عبدالله ابن عتیک به رفقای خود گفت: شما در جای های خود بنشینید و من به قلعه میروم، وبا دربانچه (دروازه بان) قلعه نرمی میکنم امید است که به قلعه داخل شوم و عبدالله ابن عتیک رضی الله عنه به طرف قلعه روان شد و در نزدیک دروازه خود را در جامه پنهان کرد، مانند اینکه قضای حاجت میکند در این وقت تمام مردم به قلعه داخل شدند. (فَهْتَفَ بِهِ الْبُؤَابُ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتَ تَرِيدُ أَنْ تَدْخُلَ فَأَدْخُلْ فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُغْلِقَ الْبَابَ) و به پهره دار صدا کرد تا اینکه او گمان کند که این هم از جمله ای همان مردم هست، ای بنده خدا اگر بنده خدا! اگر اراده داخل شدن به قلعه را داری داخل شو زیرا من دروازه قلعه را بند میکنم.

عبدالله ابن عتیک رضی الله عنه میگوید: که من هم به قلعه داخل شدم و من بطور مخفیانه از حرکات پهره دار نظارت میکردم که کلی دروازه را در کجا میگذارد؛ وقتیکه همه مردم داخل قلعه شدند دروازه را بند کرده، کلید را در یک میخ آویزان کرد (واو رفت) عبدالله ابن عتیک میگوید: من بلندشدم و کلی را گرفتم و دروازه را به واسطه آن باز کردم.

وبا ابو رافع مردم نشسته بودند و در شب قصه هارا به آنها بیان میکرد، و او در یک اتاق خاصی در منزل بالا بود وقتیکه مردم قصه گو از نزد او رفتند و دروازه های که در اتاق آن بود پهره دار از بیرون قفل کرد و من به منزل بالا شدم چونکه کلیدها همه به نزد من بود، من هر دروازه را به کلید آن باز کردم و آن دروازه را بالای خود از داخل قفل میکردم، بخاطر اینکه اگر مردم قلعه از من خبر شوند به من رسیده نمی توانند تا وقتیکه من او را مکمل به قتل برسانم، پس من به او رسیدم در حالیکه او در یک اتاق تاریک با فامیل خود استراحت بود، به من معلوم نبود که او در کدام قسمت اتاق استراحت است؟ من او را صدا کردم: (فَقُلْتُ يَا أَبَا رَافِعٍ قَالَ مَنْ هَذَا فَأَهْوَيْتُ نَحْوَ الصَّوْتِ فَأَضْرَبُهُ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ) او گفت: این کیست؟ من به طرف آن صدا رفتم و یک ضربه شمشیر وارد کردم، من در این وقت ترسیدم از این جهت کار او را یک طرف کرده نتوانستم، در این وقت ابورافع فریاد کرد و من از اتاق بیرون رفتم و مدت اندکی ایستاد مانده ام، باز دوباره داخل اتاق شدم بخاطر معلومات او را دوباره صدا کردم:

ثُمَّ دَخَلْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ مَا هَذَا الصَّوْتُ يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ لِأَمِّكَ الْوَيْلُ إِنَّ رَجُلًا فِي الْبَيْتِ ضَرَبَنِي قَبْلُ بِالسَّيْفِ قَالَ يَا ابْرَافِعُ! این آواز از چی بود، او گفت: مادرت هلاک شود در این اتاق کدام شخصی است، اندکی قبل من را به شمشیر زد، عبدالله ابن عتیک میگوید: من جای او را معلوم کردم و دوباره بالای او ضربات شمشیر را وارد کردم، او را شدیداً زخمی کردم و تا هنوز او را قتل نکرده بودم

و نوک شمشیر را به سینه او فرو بردم تا اینکه به استخوان کمر او رسید، فهمیدم که من او را به قتل رسانیده ام، و دروازه هارا یکی یکی دیگر باز کردم و به بیرون روان بودم و در اخیری یک زینه پایه رسیده ام و من گمان کردم که پای من به زمین رسیده و در حالیکه پای من از زمین بلند بوده وقتیکه پای خود را به آنجا گذاشتم به پائین افتادم و شب مهتابی بود یعنی مهتاب بلند شده بود پای من شکست و من پای خود را با دستار خود بسته کردم و روان شدم تا اینکه به دروازه قلعه نشستم

وبا خود گفتیم: من امشب تا وقتی از اینجا نمی روم تا اینکه به من یقینی معلوم شود که ابورافع را قتل کرده ام یا خیر، تا وقتیکه صبح شد و مرغ آذان داد در این وقت یک نفر به دیوار قلعه ایستاد شد و اعلان کرد: (فَقَالَ أُنْعَى أَبَا رَافِعٍ تَاجِرِ أَهْلِ الْحِجَازِ) مرگ تاجر حجاز (ابورافع) را اعلان میکنم. عبدالله بن عتیک رضی الله عنه میگوید: پس من نزد رفقای خود آمدم به آنها گفتم و حالا عجله کنید الله تعالی ابورافع را کشت، پس ما به نزد نبی علیه السلام رسیدیم و برای او این واقعه را بیان کردیم؛ نبی علیه السلام به من گفت: پای خود را دراز کن، من پای خود را دراز کردم و نبی علیه السلام دست مبارک خود را به پای من کش کرد و به برکت آن اینطور جور شدم گویا که من از این پای خود هیچ شکایتی نداشتم و به درد آن هیچ نفهمیدم و در پای من گویا که هیچ زخمی نرسیده.

و همچنان ابن خطل حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را توهین و او را هجو میکرد، به قتل او حکم کرد؛ ابن خطل پرده خانه کعبه را گرفته باز هم نبی علیه السلام حکم قتل او را صادر کرد

و در بخاری شریف و مسلم شریف این واقعه ذکر شده است و وقتیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در فتح مکه وارد مکه معظمه شدند در سر مبارک کلاه جنگی یعنی (زره بود) بود و وقتیکه او را دور کرد در این وقت کسی نزد او آمد و این اطلاع را به او داد: (إِنَّ ابْنَ خَطَلٍ مُتَعَلِّقٌ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ) بدون شک ابن خطل بخاطر رهای جان خود، خود را به پرده های بیت الله آویزان کرده نبی علیه السلام در حق او فرمودند: (أقتلوه) بکشید او را و صحابه کرام او را به قتل رساندند.

علماء نوشته کرده اند که ابن خطل را بنا بر چند وجوه قتل رساندم، یکی آن که او از اسلام مرتد شده و یک مسلمان را شهید کرده بود.

دوم، اینکه او هجو نبی علیه السلام را میکرد و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم دشنام میداد، همچنان دو کنیز او در اواز خوانی های خود نبی علیه السلام و مسلمانان را هجو میکردند، پیامبر علیه الصلاة والسلام قبلاً حکم قتل او را داده بود. اگر چه او در پرده بیت الله خود را گرفته باشد، چونکه جرم او بسیار بزرگ بود نبی علیه السلام حکم قتل او را داد.

کسیکه به حرم داخل شود او در امن است ولی در فتح مکه برای نبی علیه السلام فرصتی اندکی داده شد که در این وقت حکم قتل ابن خطل را صادر کرد.

امام قاضی عیاض رحمه الله در الشفاء نوشته کرده است: أجمعت الأمة على قتل متنقصة من المسلمين وسابه.

ترجمه:-- امت اجماع کرده اند به قتل کسیکه عیب گوئی میکند در باره پیغمبر علیه السلام و همچنان درباره کسیکه دشنام میکند به پیامبر صلی الله علیه وسلم، همین فیصله است.

قال أبو بكر بن المنذر: أجمع عام أهل العلم على أن على من سب النبي صلى الله عليه وسلم القتل، وممن قال ذلك مالك بن أنس، والليث، وأحمد وإسحاق، وهو مذهب الشافعي، وبمثله قال أبو حنيفة وأصحابه، والثوري وأهل الكوفة، والأوزاعي، في المسلم. [الشفاء]

ترجمه:-- ابوبکر ابن منذر گفته است: تمام اهل علم در این اتفاق دارند کسی که بر نبی علیه السلام دشنام دهد، واجب القتل است.

کسانی که این سخن را گفته اند عبارتند از: امام مالک بن انس ، لیث ابن سعد، احمد، اسحاق ومذهب امام شافعی نیز همین است، ورأی امام ابوحنیفه واصحاب او، ثوری واهل کوفه، اوزاعی همین است (ولوکه دشنام دهنده مسلمان هم باشد).  
وقال محمد بن سحنون: أجمع العلماء أن شاتم النبي عليه السلام المنتقص له كافر، والوعيد جار عليه بعذاب الله، وحكمه عند الأمة القتل، ومن شك في كفره وعذابه كفر. [السيف المسلول للسبكي]

ترجمه:-- امام سحنون مالکی میگوید: همه علماء بر این اجماع کرده اند کسیکه به نبی علیه السلام دشنام دهد ویا نقصی در شأن پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان کند او کافر است و وعید الله تعالی بر آن جاری است، که او عبارت از عذاب الهی است حکم چنین شخص به نزد امت اسلام قتل است و کسیکه در کفر وعذاب آن شک میکند او هم کافر است.

قال مالك: من شتم النبي صلى الله عليه وسلم من اليهود والنصارى قتل إلا أن يسلم، وكذا قال أحمد، وقال الشافعي: يقتل الذمي إذا سب النبي صلى الله عليه وسلم وتبرأ منه الذمة. [السيف المسلول]

ترجمه: امام مالک رحمه الله میفرماید: کسیکه از جمله یهود و نصارا به نبی علیه السلام دشنام دهد کشته شود مگر اینکه اسلام بیاورد و همین طور امام احمد هم حکم کرده و امام شافعی رحمه الله میگوید: آن ذمی که به رسول الله صلی الله علیه وسلم دشنام بدهد و حکم ذمه از او گرفته میشود.

قال ابن عابدين: (أقول ورأيت في كتاب الخراج لأبي يوسف ما نصه وأيما رجل مسلم سب رسول الله أو كذبه أو عابه أو تنقصه فقد كفر بالله تعالى وبانت منه امرأته فإن تاب وإلا قتل). [حاشية ابن عابدين]

امام ابن عابدین رحمه الله میگوید: من در کتاب خراج از ابو یوسف دیدم که این چنین نوشته شده است:

هر مسلمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم را دشنام بدهد ویا نسبت دروغ را بر او بکند ویا عیبی به او بیان کند؛ یا در شأن پیغمبر صلی الله علیه وسلم نقصان را جستجو بکند یقیناً این شخص به الله تعالی کفر ورزیده ، زن او طلاق شده واز او جدا شد. اگر توبه کرد خوب وگر نه کشته شود.